

پیوست^۱

جدول ۱. کاربرد نظریه انتقادی در ورودی‌های سیاست‌گذاری آموزش و پرورش

وضعیت ورودی‌ها	اندیشمندان
- تعیین بخشی توسط منطق سرمایه‌داری - جهت‌دهی توسط سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت	آلتوسر
- حوزه عمومی - جهان‌زیست	هابرماس
- میدان قدرت، میدان علم - فرهنگ طبقه مسلط - سرمایه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی	بورديو

منبع: نگارندگان

جدول ۲. پاسخ پارادایم انتقادی به پرسش‌های روش‌شناسی

پارادایم انتقادی	مفاهیم
شکستن اسطوره‌ها و قدرت حاکمان برای ایجاد تغییر بنیادین در جامعه.	هدف پژوهش
لایه‌هایی چندگانه و تحت‌تأثیر ساختارهای بنیادین و پنهان.	ماهیت واقعی اجتماعی
مردمان خلاق و انعطاف‌پذیر با قوایی که از آن بی‌خبرند، مردمانی دچار توهم و استثمار.	ماهیت انسان
انسان‌ها گرفتار مرزها هستند، استقلال آن‌ها محدود است و به لحاظ ساختاری آزادی انتخاب از آن‌ها سلب شده، اما می‌توانند از محدودیت‌ها بگذرند.	عاملیت انسان
باورهای دروغین (ایدئولوژی) که باعث مخفی‌ماندن قدرت و شرایط اوضاع و احوال عینی‌اند.	معرفت عامیانه
انتقادی که شرایط واقعی و درست را برملا می‌کند و به مردم کمک می‌کند تا جهان را بهتر بشناسند.	نظریه
تبیینی درست است که مردم را مجهز کند به ابزارهای تغییر جهان.	توضیح و تبیین درست
با نظریه‌ای که توهمات را از بین می‌برد و باعث آگاهی‌بخشیدن به مردم است ارائه می‌شود.	شواهد و مدارک خوب
جهت‌گیری دیالکتیکی؛ معرفت به مردم اجازه می‌دهد تا ساختارها را ببینند و تغییر اساسی	رابط معرفتی

* پیوست مقاله: اسلامی، روح‌اله؛ الهه ولی‌زاده. (۱۴۰۲، زمستان) «سازوبرگ ایدئولوژی در سیاست‌گذاری آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه سیاست، ۵۳، ۴: ۶۷۹-۶۵۱، <DOI: 10.22059/JPQ.2024.366946.1008130>.
تاریخ دریافت: ۲۶ مهر ۱۴۰۲، تاریخ بازنگری: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲، تاریخ تصویب: ۲۱ اسفند ۱۴۰۲، تاریخ انتشار: ۲۲ اسفند ۱۴۰۲.

پارادایم انتقادی	مفاهیم
	ایجاد کنند.
برخی ارزش‌ها درست و برخی نادرست هستند علم ماهیتاً ارزشی است. علم بدون ارزش و دارای موضعی ختتا به نفع وضع موجود عمل می‌کند.	جایگاه ارزش‌ها

منبع: (قاراخانی به نقل از نیومن، در: قاراخانی، معصومه. (۱۳۹۸) دولت و سیاست اجتماعی در ایران. تهران: نشر آگه).

جدول ۳. مطالبات صنفی احزاب معلمان

حوزه مطالبات	شرح مطالبات صنفی
مالی	طرح رتبه‌بندی معلمان، صندوق ذخیره فرهنگیان، همسان‌سازی حقوق، سرانه مدارس
کنکور	ممانعت از تجاری‌سازی آموزش و پرورش، حذف کنکور، بازار سیاه کتاب‌های کمک آموزشی، شهریه مدارس غیردولتی، حذف آزمون‌های ورودی مدارس تیزهوشان، تک‌ساختی شدن آموزش، سوالات کنکور دشوار و ناهماهنگ با محتوی درسی، آسیب‌های روحی و روانی دانش‌آموزان
کرونا	واکسن معلمان، حضوری شدن مدارس، تلفیق آموزش مجازی و حضوری
تعطیلات	ساعات کم آموزشی، افزایش طول سال تحصیلی متناسب با تعطیلات
صداوسیما	شبکه ملی برای جبران تدریس متون

منبع: نگارندگان

جدول ۴. مطالبات سیاسی احزاب معلمان

احزاب معلمان	مطالبات سیاسی این احزاب
احزاب اصول‌گرا	حراست از اصول انقلاب و تقویت اساس نظام، پاسداری از خط امام و شناساندن اصل ولایت فقیه، پیگیری گام دوم انقلاب، عدم مذاکره با آمریکا
احزاب اصلاح‌طلب	تحقق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، کوچک‌سازی دولت و بهبود حکمرانی، وجود نهادهای مدنی، عدم نگاه امنیتی به جنبش معلمان، مخالفت با طرح صیانت از فضای مجازی، تعدیل عملکردهای افراطی، به کارگیری زنان در پست‌های مدیریتی کلان و میانی، حفظ شأن ایران در منطقه و بین‌الملل، تقویت جایگاه احزاب و گردش نخبگان

منبع: نگارندگان

جدول ۵. مطالبات فرهنگی احزاب معلمان

احزاب معلمان	مطالبات
احزاب اصول‌گرا	حفظ دین، پاسداری از فرهنگ اسلامی و هویت و کرامت انسانی، کتب‌درسی اسلامی، به کارگیری معلمان متقی و متعهد، گسترش فرهنگ خالص فقاقت اسلام، مبارزه با فرهنگ غیراسلامی، مشورت با احزاب حزب‌اللهی و فرهنگی و استفاده از طرح‌های آنان، فعالیت همگام با علما و فقها و روحانیت اصیل، تغییر بنیادی نظام آموزشی به سمت نظامی الهی، پرورش نوباوگانی متدین و ولایت‌مدار، اجرای سند تحول بنیادین، ممانعت از اجرای سند ۲۰۳۰، جلوگیری از نفوذ تفکرات غربی در نظام آموزشی، نقش مدارس در عفاف و حجاب
احزاب اصلاح‌طلب	به کارگیری دستاوردهای نوین جهانی در نظام آموزش و پرورش، لزوم توجه به تفکر عقلانی و خلاقیت‌پروری در تربیت افراد، تأمین نیازهای علمی معلمان، حقوق شهروندی، حفاظت از محیط‌زیست، احترام به حقوق بشر، تجهیزات و فضای آموزشی، به رسمیت شناختن آزادی انسان در محتوای کتب‌درسی

منبع: نگارندگان

جدول ۶. تحلیل ورودی میدان آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه اندیشمندان انتقادی

گروه اجتماعی	آلتوسر	بورديو	هابرماس
معلمان	تنها مطالبات گروه‌های هم‌راستا با ساختار از فیلترهای ورودی نظام سیاسی عبور کرده و سیاست‌ها در راستای مطالباتی تدوین می‌شوند که تاییدکننده ساختار هستند. منازعه میان گروه‌ها شکل نگرفته زیرا امکان ابراز مطالبات دیگر وجود ندارد و در صورت وجود فوری با بن‌بست مواجه می‌شوند و ساختار فعالیت‌های آنان را برنمی‌تابد.	میدان سیاست آموزشی تحت تاثیر سرمایه اقتصادی است و با ایدئولوژی حکومت هم‌راستا می‌شود. در این میدان موضوع‌های انتقادی به حاشیه می‌رود و امکان طرح مطالبات اکثریت یا اقلیت‌های حذف شده، وجود ندارد.	فقدان آزادی و امنیت برای گروه‌های غیرهمسو با ساختار، در چنین فضایی معلمان با آنکه صنفی هم‌سو و متشکل و دارای خواسته‌های یکسان هستند نتوانستند حوزه عمومی موثری داشته باشند.
علمای مذهبی	منطق علمای مذهبی همان منطق نظام است. مطالبات ایشان همیشه در صدر توجه بوده زیرا موجب بازتولید ساختار می‌شود. از طریق دیدار وزرا با مراجع تقلید، استخدام طلبه‌ها در آموزش و پرورش، تعیین سیاست‌های آموزشی، تدوین کتب درسی، معلم دینی، معارف و پرورشی و ... علمای مذهبی در سیاست‌گذاری آموزش حضور مستقیم و تعیین‌کننده دارند.	فرهنگ آموزشی حاکم بر جمهوری اسلامی، فرهنگ خاص طبقه حاکم یعنی فرهنگ مذهبیان است، که فرهنگ مشروع قلمداد شده. این فرهنگ مشروع، قدرت رسمی در ساختار دارد و تمام مطالباتش همیشه در سیاست‌ها اعمال می‌شود. فرهنگ این قشر همیشه فرهنگ حاکم بر کتب درسی و سبک آموزش بوده است.	حوزه عمومی علمی و مذهبی که شرع و عرف در کنار هم گفتگو کنند ضعیف است. نیاز است که سنت و مدرنیته در باب فلسفه علم و کارکرد مدرسه با هم گفتگو داشته باشند. گفتگوهای صادق، انتقادی، مبنایی و به صورت گفت و شنود. اکنون شکل و محتوای حوزه عمومی یک طرفه است.
بازار	امکان فعالیت میسر است زیرا منافعی با منطق ساختار در تضاد نیست. بازار نقش تعیین	بازار و بخش خصوصی از قدرت غیررسمی برخوردارند و مناسبات	به علت منطق سود و روایت فایده‌گرایی حوزه عمومی را بازار به سمت

گروه اجتماعی	آلتوسر	بورديو	هابرماس
	کننده ای در جهت دهی سیاست های آموزشی دارد و یک طرفه آموزش را از محتوا حالی کرده است.	آن میان اقشار کم‌درآمد و غنی جامعه نمود پیدا می‌کند. بازار کنکور نبرد نابرابری است میان سرمایه‌داران و طبقات پایین است	کنکور، کمی سازی، خلاقیت کشی و دادن استرس به دانش آموزان تبدیل کرده است.
انجمن‌های علمی	به علت گسست زیاد عرف و شرع انجمن های علمی نتوانستند در مورد آموزش و مدرسه و سیاست های تعلیم و تربیت نقش موثری داشته باشند.	کنشگران اصلی قدرت در ایران توانسته اند بخش ورودی ها را در کنترل بگیرند و انجمن های علمی در مورد دانشگاه اثرگذار هستند اما در آموزش و پرورش نقشی ندارند.	انجمن های علمی هنوز به سمت بازیگری در حوزه عمومی آموزش و پرورش وارد نشده اند و بیشتر در میدان دانشگاه فعال هستند.
والدین	در خدمت منافع اقتصادی مدارس و به عنوان چرخاننده و حل کننده مشکلات مدارس هیات امنایی هستند.	والدین بدون قدرت اقتصادی در نظام آموزشی از قدرت تغییر پایگاه طبقاتی فرزندان خود برخوردار نمی‌باشند و در نوعی خشونت نمادین نادیده انگاشته می‌شوند.	حوزه عمومی والدین یک طرف و اغلب جهت دهی شده از سوی حکومت و بازار است. گفتگوی انتقادی در این زمینه وجود ندارد.
دانش‌آموزان	فعالیت‌های انجمن‌های دانش آموزی توسط نمایندگان از درون ساختار جهت‌دهی شده است. در صورت بروز نظرات مخالف نظام طرد خواهند شد.	تلاش دانش‌آموزان طبقات پایین و متوسط در نظام آموزشی به منظور ارتقا طبقه اجتماعی و اقتصادی است. تلاش دانش‌آموزان طبقات بالا به منظور تثبیت پایگاه طبقاتی است. در نهایت مسیر موفقیت برای فرزندان طبقات بالا به دلیل برخورداری از منابع مالی	عدم فعالیت‌هایی بدون جهت‌دهی‌های ساختار، جهان زیست این حوزه را مختل کرده است.

گروه اجتماعی	آلتوسر	بوردیو	هابرماس
		و فرهنگ مسلط هموارتر می‌باشد.	
جمع‌بندی و راه‌کار	نیاز به منازعه تعیین بخش عرف و شرع و گسست ایدئولوژیک به سمت علم است. راه کار در تعادل نیروهای اقتصادی است که همه بخش‌های جامعه در آن درگیر باشند.	سرمایه آموزشی، محصور کسانی است که از سرمایه اقتصادی و سیاسی برخوردارند. نیاز است میدان آموزش از شکل ایدئولوژیک و تجاری دور شود.	ضعف حوزه عمومی و زیست‌جهان در حوزه آموزش، امکان شکل‌گیری و بروز تمامی مطالبات را مختل کرده است.

منبع: نگارندگان

نتیجه

گروه‌هایی همچون معلمان، روحانیون، بازار و بخش خصوصی، دانش‌آموزان، انجمن‌های علمی و والدین، نیروهای موجود در میدان آموزش هستند. نتیجه روابط قدرت میان این نیروها، تعیین خواهد کرد که مطالبات کدام یک در دستورکار نظام سیاسی قرار خواهد گرفت. معلمان از کنشگران مهم در میدان آموزش به حساب می‌آیند، که به دلیل تعداد زیاد به کل کارمندان دولت، موقعیت اجتماعی یکسان و بهره‌مندی از اهداف مشترک، از ظرفیت تأثیرگذاری در مناسبات قدرت به‌عنوان عامل ایجادکننده تغییر در ساختار آموزشی برخوردار هستند. معلمان؛ انجمن‌ها و سازمان‌هایی جهت تجمیع مطالبات و هماهنگی کنشگری‌هایشان دارند. مطالبات این قشر را می‌توان در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تقسیم‌بندی کرد. مطالبات اقتصادی معلمان که عمده مطالبات این گروه را شامل می‌شود، پیرامون افزایش حقوق، اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان، صندوق ذخیره فرهنگیان و به‌طورکلی مسائل معیشتی است. مطالبات سیاسی و فرهنگی معلمان در دو موضع همراستا با منطق حکومت و موضع انتقادی وجود دارند. پیگیری اصول انقلاب اسلامی در مدارس و تقویت ارکان نظام سیاسی و ولایت فقیه، از جمله درخواست‌های سیاسی است که همسو با جریان حاکمیت می‌باشند. از سوی، گروه دیگر خواستار فعالیت نهادهای مدنی، تحقق آزادی و تقویت جایگاه احزاب و جامعه مدنی می‌باشند. در حوزه فرهنگ نیز تأکید برحفظ و ترویج پایه‌های دینی دانش‌آموزان، جلوگیری از اجرای سند ۲۰۳۰ و اجرای ملاموس سند تحول بنیادین از جمله درخواست‌هایی است که از سوی گروه‌های همسو با حاکمیت مطرح می‌شود. گروه انتقادی نیز خواهان به‌کارگیری دستاوردهای نوین جهانی در آموزش و پرورش و تربیت دانش‌آموزانی با تفکر عقلانی و خلاق هستند. مطالبات معلمان حول محور مسائل معیشتی، تقاضایی است که در میان جامعه معلمان با هر گرایشی، نسبت به آن اتفاق نظر وجود دارد و از سوی تمامی معلمان نمایندگی می‌شود. بنابراین مطالبات معیشتی، مطالبه عمومی معلمان است. به دلیل اینکه جامعه مدنی و کنش‌ورزی‌های آن‌ها در ساختار نظام جمهوری اسلامی به

رسمیت شناخته نشده است، مطالبات اقتصادی معلمان به صورت کلی و مطالبات سیاسی و فرهنگی آن‌ها نیز به نوعی مطالبه سیاسی محسوب می‌شوند. گروهی که موافق اصول نظام هستند، در جهت حفظ ساختار موجود و گروه مخالف با پیگیری مطالبات مورد نظر خود، در پی به چالش کشیدن ساختار مذکور هستند. بنابراین تمامی مطالبات معلمان از ماهیت سیاسی برخوردار می‌باشند.

ماهیت سیاسی نیروهای مختلف در میدان آموزش، بنابر اعمال سلطه غیرمستقیم و کنشگری نمادین، گاهی غیرقابل تشخیص می‌شود. روحانیون از جمله عاملان مهم در میدان آموزش هستند که به دلیل همراستا بودن با ایدئولوژی حکومت، مطالباتشان به راحتی از فیلترهای ورودی نظام عبور می‌کند و در دستورکار قرار می‌گیرد. این گروه با نظارت بر محتوای کتب درسی مطابق اصول مذهبی نظام و حضور فعال در مدارس، سلطه خود را از طریق فرهنگ تضمین کرده‌اند. روحانیون علاوه بر حضور فعال در مدارس به عنوان اقامه نماز جماعت و مبلغ امور مذهبی و سیاسی حکومت، به ساختار رسمی استخدام معلمان نیز دسترسی دارند و ظرفیتی جهت استخدام به عنوان معلم دروس عربی، تاریخ، علوم اجتماعی و دینی را برای خود اختصاص داده‌اند. در این راستا انجمن‌های علمی با انتشار نامه‌های اعتراض‌آمیز خود خطاب به وزیر آموزش و پرورش، نارضایتی خود را نسبت به چنین اقدامی اعلام کرده‌اند. این اعتراض مبنی بر عدم استفاده از ظرفیت دانش‌آموختگان دانشگاهی است که طلاب و روحانیون با وجود نامرتب بودن حوزه علمی مربوط به هر یک از دروس، ظرفیت آن را اشغال کرده‌اند. سلطه روحانیون طی نبردهای نمادین که نتیجه آن مشروعیت‌سازی برای ساختار نظام سیاسی است، به طور غیرمستقیم و در قالب امور مذهبی و فرهنگی اعمال می‌شود. بدین ترتیب با حفظ نظم مستقر، جایگاه طبقاتی این گروه نیز مستحکم می‌شود و بازتولید ایدئولوژی نظام نیز استمرار می‌یابد. بدین ترتیب رونمای ایدئولوژیک حکومت، از خودمختاری نسبی برخوردار هستند.

این استمرار با ظهور بازار و بخش خصوصی در قالب صنعت کنکور در حال تعلیق شدن است. صنعت کنکور با تبدیل دانش به کالایی فروختنی و نهادینه کردن مفهوم موفقیت در اذهان جامعه در قالب کسب رتبه‌های برتر و پذیرش در رشته‌ها و دانشگاه‌های دولتی سطح بالا، روند سوژه‌سازی که مورد نظر حکومت و روحانیون بود را تعلیق کرده است. برخلاف تلقی روحانیون و بازار، دانش به عنوان کسب آگاهی محض و رای منافع خاص این گروه‌ها بوده است. کسب دانش از سوی روحانیون و ساختار حاکمیت تحت لوای مذهب و در جهت مقاصد سیاسی استفاده می‌شود و از سوی بخش خصوصی با بازنمایی موفقیت به عنوان هدف اصلی در جهت کسب سود با مقاصد اقتصادی پیگیری می‌شود. این عملکرد در مقابل اهداف حاکمیت و روحانیون از آموزش است، زیرا دروس دینی و ایدئولوژیک توسط دانش‌آموزان به قصد کسب رتبه برتر مطالعه می‌شود، نه دستیابی به آگاهی‌های مذهبی و پرورش انسانی که مفاهیم مذهب و ایدئولوژی حکومت را درونی کرده باشد. بدین ترتیب مذهب و مفاهیم ایدئولوژیک حکومت در اذهان دانش‌آموزان افسون‌زدایی و عرفی شده‌اند. اکنون کنکور تبدیل به نظامی شده است که وجوه زندگی دانش‌آموزان را تابع اهداف خود کرده و با ترسیم ایدئولوژی خاص خود دانش‌آموزان را از پیگیری، نظام‌های ایدئولوژیکی اهداف فرافردی مذهب و ایدئولوژی حکومت دور کرده است.

دانش‌آموزان تبدیل به سوژه‌های رام ساختار شده‌اند. ساختار از طریق نظام آموزشی به‌عنوان مهم‌ترین سازوبرگ ایدئولوژیک حکومت، نظام‌های ایدئولوژیکی را ترسیم می‌کند که دانش‌آموزان در آن تبدیل به افرادی شده‌اند که پیرو منویات ایدئولوژی ساختار هستند. ایدئولوژی ساختاری است که با محصورکردن دانش‌آموزان در چارچوب‌هایی که خود تعریف کرده است، کنش‌ورزی آن‌ها را تحت سیطره خود سامان‌دهی می‌کند. اعمال و حرکات دانش‌آموزان تحت‌تأثیر ایدئولوژی‌ها هستند، این اعمال در موقعیت‌های مادی انجام می‌شوند و نظام آگاهی آن‌ها را سامان می‌بخشند. در این میان مدارس مکان‌هایی هستند که امکان مشارکت‌های مبارزه‌ای طبقه غالب را میسر می‌سازند. انجمن‌های مختلف جهت کنش‌ورزی‌های دانش‌آموزان در مدارس ایجاد شده‌اند ولی با هدایت اعمال دانش‌آموزان، در حال بازتولید روابط تولید مطلوب خود می‌باشند. حضور در مراسم مذهبی، استفاده از ظرفیت دانش‌آموزان جهت رأی‌دادن به نامزدهای مورد نظر نظام، تشویق آن‌ها به حضور در راهپیمایی‌های سیاسی و... نمونه‌هایی از سلطه ساختاری انجمن‌هایی است که در پی کادرسازی نیرو برای نظام سیاسی هستند. در نتیجه افراد در مدارس تبدیل به خدمتگزاران ناخواسته ایدئولوژی می‌شوند. انسان‌هایی که می‌بایست به‌عنوان شهروندی آگاه و خلاق تربیت شوند که با ذهن انتقادی خود توانایی تجزیه و تحلیل امور زندگی شخصی، خانوادگی و زیست اجتماعی و سیاسی خود را داشته باشند، تبدیل به انسان‌هایی منفعل شده‌اند که صرفاً نسبت به مسائل مذهبی و سیاسی حکومت آگاهی کسب می‌کنند. با این حال ظهور عصر اطلاعات و گسترش استفاده از شبکه‌های مجازی به‌ویژه بعد از کرونا بنابر مجازی‌شدن آموزش مدارس، این امکان را فراهم ساخت تا دانش‌آموزان اعتراضات خود را نسبت به محتوای کتب درسی، نوع پوشش رسمی مدارس، برخوردهای انضباطی و مذهبی در مدارس، به کنش‌گری اجتماعی و سیاسی دست یابند. عصر اطلاعات این چرخش انتقادی را فراهم ساخت که دانش‌آموزان بتوانند خودمختاری و عاملیت خود را به دست آورند. اما این عاملیت محقق نمی‌شود مگر برای آن‌هایی که خود را از ایدئولوژی‌های غالب رها ساخته‌اند. والدین دانش‌آموزان نیز در این ساختار، نقش تأمین‌کننده منابع مالی را دارند. انجمن اولیا و مربیان که بستری است برای ارتباط بین والدین و کادر مدارس که در یک رابطه دوطرفه به مسائل هر دو گروه رسیدگی شود، تبدیل به رابطه یکسویه‌ای شده است که منفعت آن برای مدارس در غالب جبران کسری بودجه است. والدینی که می‌بایست صدای فرزندان خود باشند، و در این انجمن به مشکلات و مسائل آن‌ها در ارتباط با مدرسه، معلمان و مسائل آموزشی رسیدگی کنند، چه در سطح خرد درون‌مدرسه‌ای و چه در سطوح بالاتر در ارتباط با وزارت آموزش و پرورش جهت ایجاد تغییرات گسترده‌تر، کارکردشان محدود به امور مالی یکطرفه شده است. اصل بر آن است که سیاست‌های آموزشی متأثر از محیط بیرونی باشد چرا که سیاست‌گذاری یعنی خواست و نظر شهروندان و ذینفعانی که موضوع سیاست‌گذاری هستند. در جمهوری اسلامی ایران نهادها و انجمن‌ها و تشکل‌هایی که بتوانند بر سیاست‌های آموزشی اثرگذاری داشته باشند قدرت اندکی دارند. معلمان متشکل‌ترین گروه صنفی آموزش تنها توان و رغبت طرح خواسته‌های معیشتی دارند و خواسته‌های سیاستی آن‌ها در موضوع آموزش کمرنگ است. هسته سخت قدرت در جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی مداخله می‌کند و اغلب مطالباتی از جنس ایدئولوژی حکومت می‌توان

مطرح شود. به‌عنوان مثال مراجع تقلید، طلاب حوزه علمیه و گروه‌های سنتی و یا سیاستمداران با نفوذ با روبنای مطالبات مذهبی و اسلامی نظام آموزش و پرورش را به چالش می‌کشند و با این انتقاد سعی می‌کنند امتیازاتی در راستای مجوز مدرسه، استخدام و دخالت در برنامه‌های آموزشی پیدا کنند. در ورودی‌های سیستم معلمان، دانش‌آموزان و والدین، نهادی جهت مطرح کردن خواسته‌های خود ندارند. سیاست‌های آموزشی بدون بازخورد گرفتن از محیط پیرامونی و یک‌طرفه طراحی و اجرا می‌شود. حتی احزاب سیاسی نیز به معلمان و دانش‌آموزان به‌عنوان گروه‌ها و اقشار انتخاباتی نگاه می‌کنند که در کارزارهای سیاسی به آن‌ها کمک کنند. معلمان در حد معیشت و افزایش حقوق مطالباتی مطرح می‌کنند و والدین نیز تشکلی برای مطرح کردن خواسته‌های خود ندارند. نظام سیاسی نیز از مکانیزم‌های افکار سنجی و رجوع به ذینفعان استفاده نمی‌کند تا دورنمای خواست شهروندان در سیاست آموزشی را ترسیم کند. دانش‌آموزان نیز به‌عنوان سوژه‌های آموزش تنها مخاطب هستند و از آن‌ها اطاعت و انقیاد طلب می‌شود. در چنین فضایی تنها گروه‌های سنتی و آن‌ها که به ایدئولوژی رسمی و سازوبرگ‌های آن اتصال دارند امکان طرح مسائل خود را دارند. به‌عنوان مثال خواست گروه‌ها و انجمن‌های علمی برای اصلاح برنامه آموزشی و تحول در سیاست‌های آموزشی که جهانی و علمی است رد می‌شود ولی خواست نیروهای مذهبی و مطالبات حوزه برای تغییر سرفصل‌ها و کتب‌درسی و استخدام طلاب با سرعت اجرایی می‌شود. دانش‌آموزان در عصر اطلاعات با توجه به اینکه به لوازم تکنولوژی دسترسی پیدا کرده‌اند دانش‌ها و مهارت‌های جدید می‌آموزند. روابط یک‌طرفه و انقیادی شاگرد معلمی و اعمال ایدئولوژیک سیاست‌های رسمی با توجه به تغییر نسل و دسترسی به تکنولوژی به‌هم‌ریخته است. هرچند دانش‌آموزان به لحاظ رسمی و نهادی تشکلی برای بروز خواسته‌های خود ندارند ولی فضای مجازی و مخاطب‌محور بودن آن باعث کنشگری سیاسی و فرهنگی دانش‌آموزان شده است.